



آندریا ژیمز گوترا

مترجم: یوسف جمسی

در بخش پیشین این نوشتار خواندید که هسته اصلی سازمان تجارت جهانی یا WTO در پی توافق‌های حاصله در گفت‌وگوهای دور اروگوئه در سال ۱۹۹۵ تشکیل شد. همچنین در همان بخش به ویژگی‌های این سازمان و سلف آن یعنی گات ۱۹۴۷ نیز اشاره شده و ارتباط WTO با سایر سازمان‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفت.

وضعیت کشورهای در حال توسعه در WTO نیز یکی دیگر از مباحث مطرحه در قسمت نخست این نوشتار بود.

اکنون بخش دوم این مقاله که به مواردی همچون عضویت و فرآیند الحاق کشورهای عضو اوپک به WTO، رابطه اوپک و سازمان تجارت جهانی و توافقنامه‌های سازمان تجارت جهانی و تبعات آن برای اقتصاد نفت می‌پردازد، از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

۲-۳- نفت در مذاکرات دور اروگوئه

در خلال مذاکرات دور اروگوئه و در قالب مذاکراتی که بر سر منابع طبیعی و فرآورده‌های آن جریان داشت، برخی از اعضا مجدداً بر طرح مسأله "قیمت‌گذاری دوگانه" و محدودیت‌های صادراتی در بخش نفت، اصرار ورزیدند.

استدلال مخالفان این بود که سیاست‌های مزبور موجب بروز اختلاف در روند تجارت آزاد شده و تفاوت قیمتی که به سود صنایع داخلی کشورهای واردکننده ایجاد می‌شود با تجارت آزاد، منافات دارد. هر چند قیمت‌گذاری دوگانه در

می‌آورد.

ایالات متحده بر این اعتقاد بود که مذاکرات گات باید به سوی تدوین اصول مدیریت تجارت در محصولات و فرآورده‌های حاصله از منابع طبیعی حرکت کند و نتیجه این کنکاش‌ها به صورت یک مصوبه گات، جنبه قانونی و الزامی پیدا کند. در این راستا نماینده ایالات متحده در مذاکرات دور اروگوئه پیشنهاد کرد که موضوع قیمت‌گذاری دوگانه و محدودیت‌های صادراتی در بخش منابع طبیعی، باید تحت سرفصل مذاکره بر سر یارانه‌ها و اقدامات جبرانی به بحث گذارده شود.

آن زمان مشکل تجاری عمده‌ای ایجاد نمی‌کرد، مخالفان معتقد بودند که این رویه‌ها در آینده (بویژه اگر قیمت‌های نفت افزایش پیدا کند) اختلافات بیشتری را به وجود خواهد آورد. مخالفان این رویه‌ها مدعی بودند که در تفسیرهای به عمل آمده از توافقنامه ۱۹۴۷ گات و در مذاکرات دور توکیو به طرز مطلوبی به این موضوع پرداخته نشده است. به زعم آنها، روش‌های قیمت‌گذاری دوگانه، مالیات بر صادرات و درصد مالکیت و تصدی‌گری دولتی در صنایع مرتبط با منابع طبیعی، اختلالات عمده‌ای را در روند تجارت آزاد جهانی به وجود

واکنش‌های متعددی در مخالفت با این پیشنهادها روی داد. اغلب شرکت‌کنندگان در مذاکرات، از جمله اتحادیه اروپا، معتقد بودند که سیاست‌های "قیمت‌گذاری دوگانه" و محدودیت صادرات، موضوعاتی عام هستند و باید به طور کلی درباره آنها بحث شود. کشورهای در حال توسعه نیز تأکید کردند که گروه مذاکره‌کننده پیرامون محصولات مبتنی بر منابع طبیعی، باید به آیین‌نامه خود پایبند باشد که چیزی جز مذاکره درباره مشکلات دسترسی به بازار (موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای) بر سه بخش جنگلداری، شیلات و مواد معدنی و فلزات غیرآهنی نیست. به علاوه گفته می‌شد که موضوع مورد نظر، یعنی محدودیت صادرات در مواقع بروز کمبود جدی در داخل، یا به منظور صرفه‌جویی در منابع طبیعی و دستیابی به اهداف توسعه، هیچ تعارضی با مفاد توافقنامه‌های گات ندارد. از این جنبه گروه مذاکره‌کننده پیرامون یارانه‌ها و اقدامات جبرانی باید به بحث درباره سیاست‌های قیمت‌گذاری معین در حوزه منابع طبیعی (شامل نفت و فرآورده‌های نفتی) که اقدامات جبرانی می‌تواند در مورد آن اعمال شود، بپردازد.

در متن پیش‌نویس توافقنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی مصوب ۷ نوامبر ۱۹۹۰، دو ماده در ارتباط با نفت و فرآورده‌های نفتی به شرح ذیل وجود دارد:

ماده ۱-۲:

به منظور تشخیص این امر که آیا یک یارانه، طبق تعریف ارائه شده در بند ۱-۱، مختص به یک شرکت یا صنعت یا گروهی از شرکت‌ها یا صنایع بوده و به واسطه آن برای برخی از شرکت‌ها مانعی فراتر از آن چه در داخل مرزهای یک کشور برای سایر شرکت‌ها و صنایع وجود دارد، ایجاد می‌کند، به طریق زیر عمل خواهد شد.

ماده (e) ۱۴:

در مورد محصولات که دولت انحصار عرضه یا خرید آن را در دست دارد، توضیح فوق مصداق ندارد مگر این که اثبات شود دولت میان مصرف‌کنندگان یا عرضه‌کنندگان آن محصول یا خدمت، تبعیض قائل می‌شود. البته رفتار و برخورد متفاوت دولت با بنگاه‌های اقتصادی بر مبنای ملاحظات عادی صرفاً تجاری در این گونه موارد، به معنی رفتار تبعیض‌آمیز نیست. مکزیکی با این ادعا که بندهای فوق به موضوعاتی خارج

از حوزه فعالیت تعریف شده گروه مذاکره‌کننده پیرامون یارانه‌ها و اقدامات جبرانی می‌پردازند، از امضای پیش‌نویس فوق خودداری کرد. نماینده مکزیکی معتقد بود که سیاست‌های قیمت‌گذاری داخلی منابع طبیعی و الزام عدم تبعیض صرفاً تأسیسات تولیدی مستقر در قلمرو کشور امضاکننده توافقنامه را مورد خطاب قرار می‌دهد و نباید به حوزه‌های فراتر از آن تسری یابد. علاوه بر این گفته شد که پیش‌نویس مزبور با این تفسیر از توافقنامه‌های گات هم‌خوانی دارد که: "کشورهای برخوردار از منابع طبیعی باید از مزیت‌های نسبی خود چشم‌پوشی کنند یا این که در بازارهای صادراتی محصولات خود در معرض اقدامات جبرانی قرار بگیرد. این بدان معنی است که قاعده رفتار ملی باید در حوزه‌های فراتر از مرزهای ملی کشورهای عضو گات اعمال شود، که در تعارض کامل با اصول اساسی گات است."

در نتیجه، مکزیکی پیشنهاد کرد که موارد ۱-۲ و (e) ۱۴ در پیش‌نویس مورد اشاره، اصلاح شده و در آنها این نکته درج شود که الزامات یاد شده فقط محدود به قلمرو کشور امضاکننده توافقنامه است و کاربرد برون مرزی ندارد. این پیشنهادها در نسخه نهایی "توافقنامه راجع به یارانه‌ها و اقدامات جبرانی" گنجانده و ماده ۱-۲ به شرح ذیل اصلاح شد:

"به منظور تشخیص این امر که آیا یک یارانه، طبق تعریف ارائه شده در بند ۱-۱، مختص به یک شرکت یا صنف یا گروهی از شرکت‌ها و صنایع بوده و به این واسطه برای برخی از شرکت‌ها و صنایع، منافعی فراتر از آن چه در قلمرو قضایی مقامات اعطاکننده یارانه برای سایر شرکت‌ها و صنایع وجود دارد ایجاد می‌کند، به طریق ذیل عمل خواهد شد: ..."

به این ترتیب عرضه نفت به قیمتی پایین‌تر از قیمت‌های جهانی به پالایشگاه‌ها و مجتمع‌های

پتروشیمی داخلی در صورتی که یک یارانه تلقی شود و زمانی به تولیدکنندگان داخلی در کشور واردکننده برساند، به کشور واردکننده اجازه اقدام متقابل (اقدام جبرانی) را خواهد داد. با توجه به خساراتی که این مقررات می‌توانست برای کشورهای صادرکننده نفت به دنبال داشته باشد، انتظار می‌رفت که کشورهای عضو اوپک که آن زمان در گات نیز مشارکت داشتند (اندونزی، کویت، نیجریه و نروژ) که در سال ۱۹۹۰ به توافقنامه مزبور ملحق شد) واکنش فعالی در این زمینه داشته باشند و از حرکت مذاکرات در جهت تصویب چنین قوانینی جلوگیری کنند. ولی تحقیقات و بررسی‌های شخصی نگارنده، آشکار کرد که اوپک در نشست‌های خود هرگز موضوع یارانه‌ها را آن‌گونه که در گات مطرح شده بود، به بحث و مذاکره نگذاشت و حتی اعضای اوپک که در گات مشارکت داشتند نیز چنین موضوعی را مطرح نکردند.

لازم به ذکر است؛ با وجود اهمیت استراتژیک نفت، این صنعت هنوز هم تحت قواعد یک سیستم بازرگانی چند جانبه اداره می‌شود. در مذاکرات دور اروگوئه هیچ مذاکره‌ای در خصوص کاهش تعرفه‌های گمرکی نفت و فرآورده‌های نفتی در کشورهای واردکننده (به استثنای تعرفه‌های گمرکی اتحادیه اروپا) انجام نشد، زیرا این تعرفه‌ها اساساً بسیار ناچیز هستند. در واقع تعرفه واردات نفت هرگز (جز دوره قبل از دهه ۱۹۴۰ در ایالات متحده آمریکا) چندان بالا نبوده است. در مواردی (نظیر اتحادیه اروپا) واردات نفت خام کاملاً از مالیات و حقوق گمرکی معاف است.

دامنه نرخ‌های تعرفه واردات نفت، بین ۵/۵ سنت برای هر بشکه نفت در ایالات متحده، تا ۲۱۵ ین برای هر هزار لیتر در ژاپن است (جدول ۱ را ببینید). با وجود این هیچ تعهدی نسبت به کاهش تعرفه‌های گمرکی واردات نفت یا هیچ

جدول ۱ - نرخ تعرفه‌های واردات نفت خام (قبل و پس از مذاکرات دور اروگوئه) در چند کشور

دامنه تعرفه‌ها پس از دور اروگوئه	دامنه تعرفه‌ها قبل از دور اروگوئه	
٪	٪	
۵/۵ سنت در هر بشکه (u)	۵/۵ سنت در هر بشکه (u)	ایالات متحده آمریکا
۲۱۵ ین در هر هزار لیتر (u)	۳۵۰ ین در هر هزار لیتر (u)	ژاپن

* منبع: انکتاد

u تعرفه نامحدود (بدون محدودیت مقداری).

۱۹۸۶ مکزیک عبارات زیر را به پاراگراف پنجم پروتکل الحاق خود به گات، اضافه کرد: "مکزیک حق اعمال حاکمیت بر منابع طبیعی خود را طبق مفاد قانون اساسی، برای خود محفوظ می‌داند.

مکزیک حق خود می‌داند که به منظور صرفه‌جویی در مصرف ذخایر طبیعی بویژه در بخش انرژی، محدودیت‌های معینی را بر صادرات انرژی خود اعمال کند. اعمال این محدودیت‌ها مبتنی بر سیاست‌ها و

جدول ۲- نرخ تعرفه‌های واردات فرآورده‌های نفتی (قبل و پس از مذاکرات دور اروگوئه) در چند کشور منتخب

دامنه تعرفه‌ها قبل از دور اروگوئه	دامنه تعرفه‌ها پس از دور اروگوئه	
۵-۷٪	۳/۵-۴/۷٪	اتحادیه اروپا
۵/۸٪ (۸۴ سنت در هر بشکه)	۵/۸٪ (۸۴ سنت در هر بشکه)	ایالات متحده آمریکا
۳۰۳۳ ین در هر هزار لیتر	۳۰۳۳ ین در هر هزار لیتر	ژاپن

مقررات الزام‌آوری در جدول تعهدات اعضای WTO نسبت به این امر وجود ندارد.

سطح تعرفه‌های گمرکی برای فرآورده‌های نفتی پس از دور اروگوئه همچنان بالاتر از تعرفه‌های نفت خام باقی ماند و در برخی کشورها اساساً هیچ تغییری نکرد. چنانکه در جدول ۲ دیده می‌شود، آمریکا و ژاپن پس دور اروگوئه نیز در تعرفه‌های خود بر واردات فرآورده‌های نفتی تغییری ندادند؛ اما اتحادیه اروپا سطح این تعرفه‌ها را از ۵ الی ۷ درصد به ۳/۵ الی ۴/۷ درصد تقلیل داد.

اغلب تعرفه‌های گمرکی بر محصولات پتروشیمی در کشورهای توسعه یافته تا قبل از مذاکرات دور اروگوئه کمابیش ثابت بود، اما پس از این مذاکرات به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت.

جدول ۴- نرخ تعرفه‌های واردات اولیه پلاستیک (پتروشیمی) قبل و بعد از دور اروگوئه در چند کشور منتخب

دامنه تعرفه‌ها قبل از دور اروگوئه	دامنه تعرفه‌ها پس از دور اروگوئه	
۸-۱۳٪	۵/۷-۶/۵٪	اتحادیه اروپا
۰-۱۶٪ (a)	۰-۶/۵٪	ایالات متحده آمریکا
۰-۷/۲٪ (b)	۰-۶/۵٪	ژاپن

(a) عوارض گمرکی ویژه معادل حداکثر ۱۸/۷ سنت بر هر کیلوگرم.
(b) در موارد معدودی عوارض گمرکی ویژه تا ۳۲ سنت بر هر کیلوگرم اخذ می‌شد.

نیازمندی‌های اجتماعی و توسعه‌ای مکزیک خواهد بود و به موازات محدودیت و صرفه‌جویی در مصرف داخلی به اجرا در خواهد آمد.

وزن‌تلا در سال ۱۹۹۰ در خلال مذاکرات دور اروگوئه به گات محقق شد. این کشور هیچ شرط ویژه‌ای را در پروتکل الحاق خود در ارتباط با بخش نفت نگنجاند و الحاق خود را مبتنی بر همان ماده ۲۰ توافقنامه گات ("بند" g) گردانید که اعمال هرگونه محدودیت صادراتی را تنها در صورت اعمال همان محدودیت‌ها در مصرف و تولید داخلی و صرفاً در خصوص منابع طبیعی پایان‌پذیر، مجاز شمرده است.

وزن‌تلا بر خلاف مکزیک، دلیلی نمی‌دید که هر موضوع قانونی مرتبط با سیاست‌های خود در بخش نفت را به پروتکل الحاق خود اضافه کند.

به عقیده مقامات وزن‌تلا، آن چه که مکزیک در پروتکل الحاق خود به آن اشاره کرده بود از نظر محتوی با ماده ۲۰ توافقنامه گات در مورد صدور محصولات استخراج شده از منابع طبیعی پایان‌پذیر تفاوتی ندارد و لزومی نداشت که مکزیک چنین پاراگرافی را به پروتکل الحاق خود بیفزاید. به علاوه افزودن چنین عباراتی به پروتکل الحاق مکزیک، نه حقی بر حقوق مکزیک در چسارچوب توافقنامه‌های گات می‌افزود و نه تعهدات آن را افزایش می‌داد. در

۳-۳ عضویت و فرایند الحاق کشورهای عضو اوپک به WTO تا قبل از شوک نفتی سال ۱۹۷۳، سه کشور عضو اوپک، به شرح ذیل توافقنامه گات را امضا

جدول ۳- نرخ تعرفه‌های واردات هیدروکربورها (محصولات پتروشیمی) قبل و بعد از دور اروگوئه در چند کشور منتخب

دامنه تعرفه‌ها قبل از دور اروگوئه	دامنه تعرفه‌ها پس از دور اروگوئه	
۰-۱۴٪	۰-۵/۵٪	اتحادیه اروپا
۰-۱۸٪ (a)	۰-۵/۵٪	ایالات متحده آمریکا
۰-۲۴٪ (a)	۰-۵/۵٪	ژاپن

(a) عوارض گمرکی ویژه معادل ۲/۷ تا ۳/۷ سنت بر هر کیلوگرم

کرده بودند: اندونزی (۱۹۵۰)، نیجریه (۱۹۶۰)، کویت (۱۹۶۳) این سه کشور چند سال پس از کسب استقلال، به پیمان گات پیوستند. البته تا اوایل دهه ۱۹۷۰ تولید نفت در نیجریه بسیار اندک بود و این کشور زمانی تصمیم به عضویت در اوپک گرفت که اکتشاف و تولید نفت در آن رونق پیدا کرد.

زمانی که مکزیک به عنوان یک تولیدکننده نفت غیروپک، تقاضای پیوستن به گات را مطرح کرد، جنبه‌هایی از سیاست‌های صادراتی نفت‌خام در مذاکرات گات مطرح شد. در سال

هر چند مذاکرات دور اروگوئه نتوانست نرخ‌های تعرفه گمرکی نفت خام و فرآورده‌های نفتی را چندان کاهش دهد، در کاهش تعرفه‌ها برای محصولات پتروشیمی نسبتاً موفق بود. البته این محصولات، سهم چندانی در صادرات کشورهای عضو اوپک ندارد و پایین بودن نرخ‌های تعرفه واردات نفت خام در کشورهای توسعه یافته کاملاً با منافع آنها به عنوان مصرف‌کننده سازگار است زیرا این کشورها قادر به تولید مقادیر کافی نفت برای تأمین نیازهای خود نیستند و به نفت ارزان نیاز مبرم دارند.

واقع تحت شرایط کنونی هم که WTO قادر به اعمال تغییراتی در چارچوبه‌های مورد توافق گات نیست، شروط ذکر شده در پروتکل الحاق مکزیک، هیچ‌نفعی برای این کشور نداشته است، اما چنانچه در آینده تغییری در این بند از توافقنامه گات داده شود، مکزیک می‌تواند با استناد به شرطی که در پروتکل الحاق خود قید کرده است، از عمل به تعهدات جدید معاف شود.

همه این کشورها که جز امضاکنندگان توافقنامه گات بودند در سال ۱۹۹۵ خودبه‌خود به اعضای مؤسس WTO بدل شدند. امارات متحده عربی و قطر نیز پس از مذاکرات دور اروگوئه در سال ۱۹۹۴ به گات پیوستند و در سال ۱۹۹۶ به عضویت WTO درآمدند.

در حال حاضر دو عضو اوپک، یعنی الجزایر و عربستان سعودی نیز مشغول مذاکره برای عضو شدن در WTO هستند و تا زمان پذیرفته شدن در WTO، به عنوان ناظر در نشست‌های این سازمان حضور خواهند داشت. با توجه به مراحل متعدد یک فرایند الحاق، هزینه پذیرفته شدن در WTO اکنون نسبت به گذشته بسیار بالاست و کشوری که می‌خواهد عضو WTO شود باید بتواند همه این توقعات را به طریقی برآورده ساخته یا از راه مذاکره و گفت‌وگو نظر مساعد اعضا را جلب کند.

در جریان فرایندهای الحاق اخیر، مشاهده شد که از برخی از کشورهای متقاضی عضویت خواسته می‌شود به عضویت توافقنامه‌های چندگانه (Plurilateral Agreements)^۱ در آیند.

مثلاً کشور عمان که یک صادرکننده نفت غیراوپک است و در اکتبر ۲۰۰۰ به عضویت WTO در آمد، با چنین درخواست‌هایی در طول فرایند الحاق خود (از آوریل ۱۹۹۶) روبه رو شده بود. در جریان مذاکرات الحاق، عمان فرایند خصوصی‌سازی را در صنایع خود به اجرا گذاشت و تغییرات زیربنایی متعددی در ساختار نهادی و در چارچوب‌های قانونی خود اعمال کرد تا به یک اقتصاد آزادتر بدل شود. این کشور امیرنشین خلیج فارس، پذیرفت که طبق ماده ۱۷ توافقنامه گات، شرکت ملی نفت عمان موسوم به "PDO" به عنوان یک شرکت بازرگانی دولتی اداره شود. عمان پذیرفت که بدون برخورداری از امتیاز دوره انتقال (Transition Period)، تمامی جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی را رعایت کند. عمان همچنین بخش خدمات خود را که شامل خدمات اکتشاف ذخایر نفتی و توزیع انرژی برق می‌شد بی‌قید و شرط به روی رقابت

بین‌المللی گشود. همچنین عمان توافقنامه اختیاری خریدهای دولتی را نیز امضا کرد.

با این همه، فرایند الحاق عمان به WTO بسیار پرهزینه‌تر و دشوارتر از فرایندهایی بود که پیش از آن کشورهای دیگر طی کرده بودند. مثلاً این کشور با امضای پیمان خریدهای دولتی، قابلیت استفاده از اهرم‌های سیاست اقتصادی برای رونق بخشیدن به کسب و کار شرکت‌های داخلی از طریق خریدهای عمده دولتی را محدود کرد، این تجربه نشان‌دهنده موانع صعب‌العبوری است که عربستان سعودی و الجزایر و سایر کشورهای صادرکننده نفت باید برای پیوستن به WTO پشت سر بگذارند. وضعیت کشورهای عضو اوپک که متقاضی عضویت در WTO شده‌اند، به طور اجمال به شرح ذیل است:

عربستان سعودی

گروه کاری رسیدگی‌کننده به درخواست عضویت عربستان سعودی در ژوئیه ۱۹۹۳ تشکیل شد. به موازات این امر، مذاکرات دوجانبه در خصوص دسترسی به بازار کالاها و خدمات، با کشورهای عضو بر مبنای پیشنهادها تجدید نظر شده، آغاز شد. مهمترین موضوعات مورد بحث توسط گروه کاری، تجارت در بخش کشاورزی، بازرسی قبل از حمل، اقدامات بهداشتی (Sanitary Measures)، موانع فنی بر سر راه تجارت آزاد، حقوق مالکیت معنوی و تجارت خدمات است. سعودی‌های امیدوارند بتوانند عنوان کشور در حال توسعه را در WTO به دست آورده و به این واسطه دوره انتقال طولانی‌تری را طی کرده و از امتیازات مربوطه در قالب مجوز حمایت محدود از صنایع داخلی و کاربرد ترتیبات جبرانی بهره‌مند شوند؛ اما اعضای WTO در عمل نشان داده‌اند که هر روز کمتر از قبل حاضر به اعطای چنین امتیازاتی به متقاضیان جدید عضویت هستند.

الحاق عربستان به WTO منجر به تحولی اساسی در سیاست‌های اقتصادی این کشور خواهد شد که نتیجه آن یک اقتصاد نسبتاً باز و مبتنی بر مکانیزم بازار است. عربستان سعودی نیز همچون عمان با درخواست‌ها و الزامات بیشتری از سوی اعضای WTO مواجه شده و ملزم به سپردن تعهداتی فراتر از تعهدات پذیرفته شده از کشورهای با همین درجه توسعه اقتصادی، شده است. از عربستان سعودی نیز خواسته شده است پیمان خریدهای دولتی را امضا کند. در

نتیجه، شرکت‌های بزرگ داخلی ناچار خواهند بود در مناقصه‌ها تحت شرایطی کاملاً برابر با رقبای خارجی شرکت کنند و به رقابت بس دشوار در عرصه بین‌المللی - که با آن بیگانه بوده‌اند - تن در دهند. به همین ترتیب ممکن است از سعودی‌ها خواسته شود تا شرکت‌های فعال در زمینه بازرگانی دولتی، نظیر آرامکو را به رعایت مفاد پیمان فوق‌الذکر ملزم کنند.

قطعاً در مذاکرات مربوط به صنعت پتروشیمی عربستان سعودی، فروش نفت و گاز به این صنایع به قیمت‌های پایین‌تر از قیمت‌های جهانی، نوعی یارانه صادراتی تلقی خواهد شد، زیرا بخش اعظم تولیدات صنایع پتروشیمی عربستان سعودی به بازارهای جهانی صادر می‌شود. این موضوع به تمام کشورهای صادرکننده نفت مربوط می‌شود. کشورهای صادرکننده محصولات و فرآورده‌های مبتنی بر منابع طبیعی، تلاش فراوانی کرده‌اند تا اثبات کنند "مواد اولیه و انرژی ارزانی که صنایع مزبور مورد استفاده قرار می‌دهند مختص به آنها نبوده و در دسترس تمام صنایع و بخش‌های اقتصادی ملی قرار دارد." از همین رو نباید وجود این منابع به عنوان یک یارانه صادراتی و قابل پیگیری از سوی سایر کشورهای عضو WTO تلقی شود، ولی روند مذاکرات به سویی است که این استدلال را نمی‌پذیرد و در صورت به نتیجه رسیدن این مذاکرات، کشورهای صادرکننده نفت و گاز، زیان سنگینی را از این جنبه متحمل خواهند شد و توان حمایت از صنایع داخلی خود را از دست خواهند داد.

اعضای WTO هر یک فهرستی از تعهدات در زمینه دسترسی به بازار اعمال قاعده‌رفتار ملی در بخش خدمات را تدوین کرده‌اند که در مذاکرات دوجانبه از کشورهای متقاضی عضویت خواسته می‌شود به این تعهدات گردن بنهند. در مذاکرات دو جانبه معمولاً طرفین بر سر دسترسی به زیربخش‌های معینی از بخش خدمات با یکدیگر به توافق می‌رسند و شرایط و محدودیت‌هایی را در این دسترسی تعیین می‌کنند. احتمالاً عربستان سعودی نیز در جریان مذاکرات دو جانبه با برخی از کشورها، تحت فشار قرار خواهد گرفت تا تعهداتی را در بازگشایی زیربخش‌های خدماتی مالی و بانکی، حمل و نقل مسافر، خدمات مخابراتی و بخش نفت، متقبل شود.

هر چند نفت و هیدروکربن‌ها در فهرست کالاهای مشمول گات قرار نداشتند، صنعت نفت عربستان سعودی به طور غیرمستقیم از کاهش

تعرفه‌ها در حوزه تجارت اقلام صنعتی منتفع خواهد شد. از جمله، بخش پتروشیمی این کشور، دسترسی آسان‌تری به بازارهای جهانی خواهد داشت. در حال حاضر ایالت متحده و اتحادیه اروپا تعرفه‌های سنگینی را بر محصولات پتروشیمی عربستان سعودی اعمال می‌کنند که به واسطه عضو شدن در WTO حذف یا شدیداً کاهش خواهد یافت. مزیت مهم دیگر عضویت در WTO برای عربستان سعودی، به رسمیت شناخته شدن "شورای همکاری خلیج" (GCC) به عنوان یک منطقه تجاری است (زیرا عربستان سعودی آخرین عضو این شورا است که هنوز به عضویت WTO در نیامده است). به این ترتیب این بلوک تجاری خواهد توانست در آینده استراتژی‌های مشترک اعضای خود را در مذاکرات WTO پی‌جویی کرده و جایگاه محکمی را در مذاکرات WTO به دست آورد. مزیت سوم، این خواهد بود که عربستان سعودی می‌تواند از ابزارهای ارائه شده از سوی WTO (نظیر مکانیزم حل اختلاف) برای دفاع منافع ملی خود استفاده کرده و با شرکت در مذاکرات آئی WTO، بر نتایج مذاکرات به سهم خود تأثیر بگذارد.

الجزایر

گروه کاری بررسی تقاضای عضویت الجزایر در ژوئن ۱۹۷۸ تشکیل و حدود ۹ سال بعد (در سال ۱۹۸۷) گزارش بررسی رژیم تجارت جهانی این کشور توسط گروه کاری منتشر شد. موضوعات مورد بحث در گروه کاری شامل تجارت در بخش کشاورزی، سیستم گمرکی، بازرگانی دولتی، شفافیت اقتصادی و مالی، اصلاحات قانونی، حقوق مالکیت معنوی در تجارت خارجی، و تجارت خدمات (در بخش‌های بانکداری، بیمه و مخابرات) بود.

چین

هر چند چین عضو اوپک نیست، اما پیوستن این کشور به WTO یک واقعه بسیار مهم بین‌المللی است و با توجه به این که چین روزانه ۳/۲۱ میلیون بشکه نفت خام نیز تولید می‌کند، ضروری است تبعات احتمالی عضویت چین در WTO بر بخش نفت را بررسی کنیم. مذاکرات چین برای عضویت در WTO نه تنها به دلیل ابعاد بزرگ اقتصاد این کشور، بلکه از آن رو اهمیت دارد که در جریان مذاکرات پیرامون پیوستن این کشور به سازمان تجارت جهانی، هر

تصمیمی که اتخاذ شود و هر رویه‌ای که اعمال شود به صورت یک قاعده و روال در نحوه بررسی تقاضای عضویت سایر کشورها در خواهد آمد که شیوه‌برخورد احتمالی با تقاضای عضویت روسیه (و سایر کشورهای نفت‌خیز اتحاد شوروی سابق) و صادرکنندگان عمده نفت را مشخص خواهد کرد. چین طی سالیان متمادی برای حفظ انحصار دولتی بر بخش‌های مختلف اقتصاد، بویژه در بخش‌های بالادستی و پایین دستی نفت، موانع غیرتعرفه‌ای متعددی را به کار گرفته بود. مثلاً پکن از سپتامبر ۱۹۹۸ به بعد برای حمایت از تولید فرآورده‌های نفتی در داخل، واردات فرآورده‌ها را عملاً به حالت تعلیق درآورد. تولید نفت کوره و نفت سفید در داخل کشور با کنترل شدید و سهمیه‌بندی واردات این دو فرآورده همراه شده است. در راستای سیاست حمایت از تولید داخلی، دولت چین هر ساله پس از بررسی پیش‌بینی‌های تقاضا و تولید نفت (توسط شرکت ملی پتروشیمی چین بنام "Sinopec" و شرکت "Petrochina") سهمیه واردات نفت خام را تعیین می‌کند و بر واردات نفت سفید و بتزین ۹ درصد و واردات گازوئیل، نفتا و نفت کوره ۶ درصد تعرفه گمرکی اعمال می‌شود و تعرفه گمرکی واردات نفت خام معادل ۱۶ یوان (حدود ۱/۹ دلار) برای هر تن است.

ورود به سازمان تجارت جهانی موجب حذف محدودیت‌های مقداری بر واردات نفت و فرآورده‌های نفتی در چین خواهد شد و کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که تغییرات ذیل در بخش نفت به وقوع خواهد پیوست.

- موانع غیرتعرفه‌ای حداکثر تا سال ۲۰۰۵ حذف خواهد شد. بر مبنای آمار سال‌های ۹۷-۱۹۹۶ پیش‌بینی می‌شود که در نخستین سال پذیرفته شدن چین در WTO، واردات فرآورده‌های نفتی ۱۹/۸ میلیون تن متریک افزایش پیدا کند و طی ۵ سال پس از آن نیز سالانه ۱۵ الی ۱۶ درصد رشد کند. به این ترتیب دسترسی به بازار نفت چین به میزان قابل توجهی افزایش خواهد یافت.

* تعرفه واردات نفت خام به طور کامل حذف خواهد شد و مالیات ۹ درصدی بر واردات بنزین نیز به میزان قابل توجهی کاهش خواهد یافت.

* بخش خرده‌فروشی فرآورده‌های نفتی در چین آزاد خواهد شد و ۳ سال پس از عضو شدن چین در سازمان تجارت جهانی، شرکت‌های خارجی خواهند توانست در این بخش فعالیت خود را آغاز کنند. بخش عمده‌فروشی نفت چین نیز ۵

سال پس از عضویت چین در WTO به روی شرکت‌های خارجی گشوده خواهد شد. دو سال پیش چین برای آماده کردن شرکت‌های نفتی دولتی خود برای مقابله با چالش‌های رقابت با شرکت‌های خارجی، یک برنامه نوسازی و اصلاح ساختار نهادی را در این صنعت آغاز کرد. هدف این برنامه افزایش بازدهی و راندمان، افزایش تولید، بهبود کیفیت محصولات و کاهش هزینه‌ها تا سطحی که قابل رقابت با فرآورده‌های وارداتی باشد و نیز بهبود خدمات ارائه شده به مشتریان است.

۴-۳- رابطه "اوپک" و "سازمان تجارت جهانی"

اوپک به عنوان یک سازمان دائمی بین دولتی (Intergovernmental) تأسیس شده است که هدف آن تضمین ثبات قیمت نفت در بازارهای بین‌المللی (حذف نوسانات بازار) برای دستیابی به یک درآمد ثابت و یکنواخت برای کشورهای تولیدکننده، تضمین تداوم عرضه نفت به کشورهای مصرف‌کننده و تأمین یک سود عادلانه برای صنعت نفت است.

برخی از اهداف اوپک با برخی از مفاد توافقنامه‌های کالایی که به پیش‌نویس منشور سازمان تجارت بین‌المللی (ITO) الحاق شده بود ارتباط و هم‌خوانی دارد. مثلاً در بندهای ۵۴ و ۵۸ منشور مذکور، به این موضوع اشاره شده که موضوع توافقنامه‌های کالایی، سیاست‌های کنترل تولید یا اعمال کنترل‌های مقداری بر صادرات مواد خام است که با هدف کاهش نوسانات قیمت آن کالاها در بازار بین‌المللی، برای دستیابی به سطح معقولی از ثبات بر مبنای تعیین قیمت‌های عادلانه برای مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، صورت می‌گیرد.

اما اهداف اوپک و اساسنامه آن از همه جنبه‌ها با یک توافقنامه کالایی مطابقت ندارد، زیرا الزامات مهم چنین توافقنامه‌هایی را که شامل آزادی مشارکت تمامی اعضا بالقوه (تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نفت) و موقتی بودن است، رعایت نمی‌کند.

شرایط مربوط به توافقنامه‌های کالایی در ماده ۲۰ توافقنامه گات (بند "h") به عنوان استثنائات مجاز در قوانین گات، پیش‌بینی شده است اما در واقع تاکنون هیچ توافقنامه‌ای از این نوع رسماً به اعضای سازمان تجارت جهانی پیشنهاد داده نشده است. از نقطه نظر اوپک، این مواد از توافقنامه گات حائز اهمیت بسیاری زیرا وجود آنها نشان می‌دهد که نظام تجارت چند

جانیه WTO منافاتی با سازمان‌هایی نظیر اوپک ندارد و تحت شرایط معین می‌تواند وجود چنین سازمان‌هایی را بپذیرد.

در ماه مارس سال ۲۰۰۰ میلادی، اوپک رسماً از سازمان تجارت جهانی درخواست کرد تا به عنوان ناظر در جلسات کمیته‌های مختلف این سازمان، از جمله شورای عمومی، کمیته تجارت و توسعه و کمیته تجارت و محیط‌زیست شرکت داده شود. تا زمان تهیه این مقاله، بررسی درخواست اوپک بارها از سوی بخش‌های مختلف WTO به تعویق افتاده است.

نتیجه‌گیری

در گذشته اعضای اوپک قادر نبودند بر نتایج مذاکرات گات تأثیر بگذارند. زیرا هیچ یک از آنان از ابتدا در گات مشارکت نداشته و اغلب بر این باور بودند که موقعیت استراتژیک نفت در بازار جهانی کافی است تا بخش نفت را از کلیه مقررات و قوانین تصویب شده گات مستثنی سازد. در نتیجه، کلیه هیدروکربورها از مذاکرات گات کنار گذاشته شدند. در عوض تجارت محصولات کشاورزی، منسوجات و تجارت خدمات، نقش محوری را در توافقنامه عمومی تجارت و تعرفه دارند و نقطه نظرات کشورهای را منعکس می‌کنند که مذاکرات را هدایت کنند. هر چند نفت هرگز به طور مستقیم در مذاکرات گات مورد بحث قرار نگرفت، قوانین و مقررات بسیاری در طی ادوار مختلف مذاکرات گات به تصویب رسید که تأثیر آنها بر بخش نفت چشمگیر و گاه تعیین‌کننده است.

این واقعیت که در حال حاضر چند عضو اوپک عضویت WTO را احراز کرده و تعدادی از آنها نیز فرآیند الحاق را پشت سر می‌گذارند و نیز درخواست جایگاه ناظر در مذاکرات WTO از سوی اوپک، به کشورهای عضو اوپک کمک می‌کند تا دیدگاه‌ها و منافع خود را بیش از پیش با یکدیگر هماهنگ ساخته (احتمالاً ائتلافی مؤثر را در درون WTO تشکیل دهند) و بتوانند قدرت چانه‌زنی خود را در مذاکرات بالا ببرند، اما الحاق به WTO امروزه بسیار دشوارتر از گذشته است. کشورهایی که امروزه متقاضی عضویت در WTO هستند هزینه‌های سنگینی را بابت شرکت نداشتن در بیش از ۵۰ سال مذاکرات گات می‌پردازند. الحاق به WTO برای کشورهای توسعه نیافته بسیار دشوار و پرهزینه است، این کشورها برای احراز شرایط عضویت باید تغییرات عمیق اقتصادی، سیاسی و قانونی را بپذیرا شوند. اکنون سؤال

پیش رو برای کشورهای غیرعضو این است که آیا لازم است تمامی هزینه‌های سنگین عضو شدن را بپردازند و پس از عضویت نیز سعی کنند از منافع آن بهره ببرند یا این که از عضویت چشم‌پوشی کرده و هزینه‌های منزوی مانند از سیستم چند جانیه تجارت جهانی را متحمل شوند.

با توجه به گسترش روزافزون دامنه سازمان تجارت جهانی و موضوعات جدیدی که بتدریج در مذاکرات آن مطرح می‌شود و نیز تبدیل روزافزون مقررات و تعهدات اختیاری به اجباری، منطقاً می‌توان نتیجه گرفت که چارچوب قانونی این سازمان ظرفیت فزاینده‌ای دارد که می‌تواند هر روز بیش از پیش بر روابط اقتصادی بین‌المللی میان کشورهای عضو و غیرعضو تأثیر بگذارد. بنابراین تبعات عضو شدن یا چشم‌پوشی از عضویت در این سازمان را با اطلاعات موجود نمی‌توان به طور کامل پیش‌بینی کرد و چه بسا در دراز مدت شاهد پیامدهای پیش‌بینی نشده‌ای برای کشورهای غیرعضو باشیم.

۴- توافقنامه‌های سازمان تجارت جهانی و تبعات آن برای اقتصاد نفت

۱- ۴- توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴ (سات ۹۴)

"گات ۹۴" یک توافقنامه چند جانیه میان کشورهای عضو است که چارچوب رفتاری در زمینه تجارت بین‌المللی کالاها و خدمات را تعیین می‌کند. این توافقنامه شامل قواعد و مقرراتی در ارتباط با فعالیت دولت‌ها و شرکت‌های غیردولتی در زمینه واردات و صادرات است و هدف عمده آن ایجاد یک سیستم بازرگانی بین‌المللی برای مبادله آزادانه کالاها و خدمات بر مبنای قواعد اصلی گات یعنی اصل رفتار دولت کامل‌الوداد اصل رفتار ملی و اصل منع محدودیت‌های مقداری است که در ذیل به طور مشروح بیان شده است:

● اصل رفتار دولت کامل‌الوداد (MFN)، حوزه مشمول این اصل فراتر از بحث تعرفه‌هاست تمامی عوارض دریافتی از واردکنندگان و صادرکنندگان، متدهای اعمال تعرفه یا دزیفات عوارض و همه مقررات، تشریفات گمرکی و الزاماتی را که بر فروش، خرید، حمل و نقل، توزیع یا استفاده از کالا و خدمات تأثیر می‌گذارند، در بر می‌گیرد.

● اصل رفتار ملی در خصوص مالیات‌های اعمال شده در داخل کشورها و نیز مقررات

داخلی، ایجاب می‌کند که دولت‌ها هیچ تبعیضی میان کالاهای وارداتی و کالاهای ساخت داخلی قائل نشوند.

● اصل حذف و منع محدودیت‌های مقداری به این معنی است که بر خلاف تعرفه‌ها، استفاده از هرگونه عامل محدودکننده بازرگانی خارجی جز در شرایط خاص، مجاز نیست. ماده یازده (Article XI) توافقنامه گات بیانگر این مطلب است که اعضا نمی‌توانند با استفاده از ابزارهای غیرتعرفه‌ای، واردات کالا و خدمات به درون کشور خود یا صادرات از کشور خود را محدود ساخته یا ممنوع اعلام کنند.

برای استفاده از موانع غیرتعرفه‌ای پیش شرط‌های مشخصی تعیین شده است که کاربرد آنها نیز طبق دستورالعمل‌های از پیش تعیین شده امکان‌پذیر است.

طبق توافقنامه "گات" کشورهای صنعتی پیشرفته و کشورهای در حال توسعه متعهد شده‌اند که با کاهش عمومی تعرفه‌ها و حذف محدودیت‌های مقداری، بازارهای خود را به روی کالاها و خدمات یکدیگر بگشایند. در خصوص برخی از محصولات، اعضا صرفاً توافق کرده‌اند که تعرفه‌ها را تثبیت کرده و دیگر افزایش ندهند (کاهش تعرفه‌ها مورد توافق نبوده است).

تعرفه‌ها

مذاکره بر سر کاهش تعرفه‌ها در چارچوب سازمان تجارت جهانی، چالش مهمی در برابر کشورهای صادرکننده نفت محسوب نمی‌شود، زیرا تعرفه‌هایی که بر واردات نفت خام، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی اعمال می‌شود بسیار نازل است و در برخی موارد به طور کلی این محصولات از عوارض گمرکی معاف هستند. از آنجا که بتدریج عده بیشتری از اعضای اوپک به عضویت سازمان تجارت جهانی در می‌آیند، در آینده این کشورها می‌توانند با شرکت در مذاکرات، جلوی افزایش تعرفه‌های نفت و فرآورده‌های آن را بگیرند و دسترسی صادرکنندگان به بازارهای جهانی را مطمئن‌تر سازند.

تعرفه‌ها هرگز مانعی بر سر راه تجارت جهانی نفت نبوده‌اند و با توجه به این که کشورهای صنعتی همواره خواهان پایین بودن قیمت‌های نفت بوده‌اند، بعید به نظر می‌رسد که مالیات‌ها و عوارض گمرکی بیشتری بر نفت خام و فرآورده‌های آن اعمال شود. امروزه سیاست‌های انرژی، به جای عوارض گمرکی روند تجارت بین‌المللی نفت را تحت تأثیر قرار داده است. به

علاوه اهمیت تعرفه‌های گمرکی در سیاست بازرگانی به طور کلی کاهش یافته و کشورها سعی می‌کنند بازارهای دیگری را جایگزین آنها سازند.

محدودیت‌های صادراتی

سیاست اوپک در جهت سهمیه‌بندی تولید نفت را می‌توان یک محدودیت مقداری بر صادرات تلقی کرد که در تناقض آشکار با قواعد اصلی گات و سازمان تجارت جهانی است. البته شایان ذکر است که سهمیه‌بندی اوپک، "تولید" را محدود می‌سازد و نه "صادرات" را. همچنین بند "g" ماده ۲۰ توافقنامه گات موارد استثنا از قاعده مهم منع محدودیت‌های مقداری را به این شرح در نظر گرفته است: "این اقدام در مواردی که هدف آن صرفه‌جویی در مصرف ذخایر طبیعی باشد و به یک میزان در خصوص تولید و مصرف داخلی نیز اعمال شود مجاز است." به عبارت دیگر کشورهای صادرکننده نفت برای توجیه سهمیه‌بندی‌های اوپک می‌توانند این بند از ماده ۲۰ توافقنامه گات را مبنا قرار دهند، البته به شرطی که محدودیت مصرف داخلی نفت را به همراه محدودیت صادراتی آن به اجرا بگذارند.

یکی دیگر از موارد استثنا که به اعضای اوپک مربوط می‌شود بند (h) ماده ۲۰ توافقنامه گات است که اشاره دارد به اقداماتی که: "در عمل به تعهدات تعیین شده تحت یک توافقنامه کالایی بین دولتی اتخاذ شده‌اند و هیچ یک از امضاکنندگان توافقنامه مذکور با آن مخالفت نکرده‌اند." و سرانجام استثنا مربوط به امنیت ملی (مندرج در ماده ۲۱ توافقنامه گات) است که می‌تواند محدودیت صادرات و واردات نفت و فرآورده‌های نفتی را تحت شرایط معینی توجیه کند و بخش نفت در کشورهای تولیدکننده را از الزام به رعایت برخی قواعد اصلی گات معاف کند. در گذشته ایالت متحده به دلایل امنیتی و سیاسی کنترل‌هایی را بر صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی اعمال می‌کرد. این محدودیت‌ها طبق قانون کنترل صادرات و از طریق سهمیه‌بندی اجباری صادرات نفت خام، بر فرآورده‌های نفتی و مشتقات نفت اعمال می‌شد.

با در نظر گرفتن نقش محوری ایالات متحده در تهیه پیش‌نویس و متن نهایی توافقنامه گات ۱۹۴۷ و با توجه به اهمیت نفت در اقتصاد این کشور و نفوذ سیاسی شرکت‌های نفتی، می‌توان منطقاً نتیجه گرفت که ماده قانونی گنجانده شده در توافقنامه گات برای استثنا کردن منابع طبیعی از قاعده منع محدودیت‌های مقداری (ماده ۲۰)

عملاً سیاست‌های انرژی آمریکا را تأمین می‌کرده است.

مالیات‌ها

تجارت بین‌المللی فرآورده‌های نفتی با مانع تعرفه‌ای قابل‌ذکری روبه‌رو نیست؛ اما در عوض مالیات‌های سنگینی که دولت‌ها در کشورهای صنعتی بر مصرف این محصولات بسته‌اند عملاً به مانعی بر سر راه صدور بیشتر نفت و فرآورده‌های نفتی آن به این کشورها تبدیل شده است و به علاوه این مالیات‌ها درآمد قابل توجهی را نصیب دولت‌های مزبور می‌کند.

کشورهای صادرکننده نفت همواره این مالیات‌ها را ایزاری در دست دولت‌ها برای کنترل مصرف نفت تلقی کرده‌اند که توانایی ایشان در کسب درآمد از منابع طبیعی خود را محدود می‌سازد. طبق مفاد توافقنامه «گات ۹۴» دولت‌ها می‌توانند به هر مدت که مایل باشند بر مصرف یک محصول در داخل، مالیات وضع کنند و چنانچه این مالیات به طور یکسان و عاری از تبعیض بر تولید داخلی و واردات آن محصول اعمال شود، هیچ خللی در قواعد اصلی پیمان گات ایجاد نمی‌کند. در واقع از آنجا که مالیات‌ها بدون هیچ تبعیضی به طور یکسان بر تولید داخلی و واردات نفت و فرآورده‌های نفتی اعمال می‌شود، این رویه منافاتی با قاعده "رفتار ملی" ندارد. البته حق حاکمیت ملی از این جنبه توسط پاراگراف ۴ ماده ۳ توافقنامه گات ۹۴ محدود شده است، که بیان می‌دارد نه تنها برخورد با محصولات وارداتی باید با محصولات تولید داخلی یکسان باشد، بلکه این محصولات باید با محصولات مشابه نیز در شرایط یکسانی قرار داشته باشند. ساختار کنونی مالیات بر مصرف نفت و فرآورده‌های نفتی در کشورهای صنعتی به گونه‌ای است که از سوخت‌های مشابه تولید داخل، مالیات پایین‌تری اخذ می‌شود. مثلاً در کشورهایی که دارای معادن زغال‌سنگ هستند، نابرابری در وضع مالیات بر فرآورده‌های نفت و زغال سنگ، مغایر با اصل رفتار ملی است.

همچنین در کشورهایی که هیچ نوع سوختی را در داخل تولید نمی‌کنند، وضع مالیات متفاوت بر واردات نفت و فرآورده‌های نفتی و زغال سنگ نیز تخطی از قاعده دولت کامل‌الوداد است. از نقطه نظر دبیرخانه اوپک، ساختار مالیات بر فروش (مصرف) انرژی در کشورهای اتحادیه اروپا و ایالات متحده، یک مصداق عینی تبعیض است. پیشنهاد شده است که کشورهای

صادرکننده نفت موضوع مالیات‌های سنگین و وضع شده بر مصرف فرآورده‌های نفتی در کشورهای واردکننده را در دور بعدی مذاکرات سازمان تجارت جهانی مطرح کنند و به بحث بگذارند. البته برقراری مالیات در دورن مرزهای یک کشور به یک موضوع مربوط به حاکمیت ملی است و به سختی می‌توان اثبات کرد که در پس از این سیاست مالیاتی، یک حمایت مخفی از محصولات مشابه داخلی نهفته است.

به این ترتیب وضع مالیات داخلی بر فرآورده‌های نفتی و محدود ساختن صادرات، هر دو می‌توانند موضوعاتی مرتبط به حوزه حاکمیت ملی کشورها تلقی شوند و می‌توان چنین نتیجه گرفت که سیاست کشورهای صادرکننده نفت مبنی بر تأثیرگذاری قیمت‌های جهانی نفت از طریق محدود کردن صادرات آن در چارچوب اوپک یا خارج از اوپک، و سیاست کشورهای واردکننده در جهت تأثیرگذاری بر قیمت نهایی فرآورده‌های نفتی در بازارهای داخلی خود از طریق اجرای یک رشته سیاست‌های انرژی، مالی و زیست‌محیطی، دو ابزار مجاز برای مقابله این دو گروه کشورها با سیاست‌های یکدیگر است. مالیات‌های سنگین داخلی بر مصرف فرآورده‌های نفتی در کشورهای واردکننده و محدود کردن تولید نفت در کشورهای صادرکننده عمده‌ترین موضوعاتی است که تجارت بین‌المللی نفت و فرآورده‌های آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از آنجا که این دو سیاست بدون هیچ تبعیضی در درون مرزها و در حوزه حاکمیت ملی کشورها به اجرا در می‌آید، تخطی از مقررات سازمان تجارت جهانی محسوب نمی‌شود. بنابراین نمی‌توان بسادگی این موضوعات را در مذاکرات تجاری WTO مطرح کرد. ولی این به آن معنی نیست که مذاکره بر سر این موضوع هرگز انجام نخواهد شد، چرا که نظیر چنین موضوعاتی در خصوص محصولات گمرک‌سیری (موز) در مذاکرات دور اروگوئه به بحث گذارده شد.

ادامه دارد...

پی‌نوشت:

۱- شامل توافقنامه‌های اختیاری ذیل: توافقنامه تجارت در هواپیمایی کشوری، توافقنامه خریدهای دولتی، توافقنامه بین‌المللی تجارت در محصولات لبنی، و توافقنامه بین‌المللی گوشت گاو، (IBMA)